

پسوندی نام آواساز

حسن حاتمی

پسوند ast، که به گمان جناب نجیب مایل هروی (← «پسوند نام آواساز»، نامه فرهنگستان، سال اول، شماره ۳، ص ۶۸-۷۳) «پسوند فارسی خراسانی» است، در گویش کازرونی، یعنی در بخش جنوبی ایران زمین، نیز کاربرد گسترده دارد؛ از جمله شواهد آن است: پرست perrest، آوایی که از پریدن پرندگان به ویژه گنجشکان و کبوتران پدید آید. پرشت perrest t، صدایی که از پرپر زدن و غلتیدن پرنده بر روی زمین به هنگام مرگ برخیزد.

پرشت بکنی. perrest t bokoni «پرپر بزنی»

پروگشت purukkes t، صدایی که از گریستن ناگهانی کسی به صدای بلند پدید آید. پگشت pokkest، آوایی که از ترکیدن چیزهایی مانند بطری، نارنجک، بادکنک و لوله آب و یا از گسستن طناب برخیزد. پگشت pokkes t، آوایی خفیف که از ترکیدن بادکنک یا حباب و یا پُکیدن و گسستن نخ برخیزد.

تپشت tappes t، صدایی که از برخورد چیزی با چیز دیگر پدید آید که هر دو یا یکی از آن دو سخت نباشد، چون برخورد چیزی بر بدن انسانی.

تپشتی ز تو سرش tappes ti za tu sares «تاپی زد تو سرش»

تپشتش همه‌ی جو ور داشت tappes taš hamey jo vardāšt «تاپ تاپش همه جا را برداشت»

تپشت toppeš t، صدای فروافتادن چیزهای غیر سخت، آبکی، قطره آب.

ترپشت *tereppes t*، صدای فرو افتادن چیزی پهن بر زمین مانند تخته، چمدان یا هر بسته‌وار دیگر و نیز افتادن کودکان بر زمین و فرو افتادن گربه و گونه‌هایی چون او از بلندی بر زمین.

ترقشت *teraqqes t*، صدایی که از برخورد دو چیز سخت یا از شلیک تفنگ و ترکیدن ترقه و نیز انفجار چیزی خرد مانند ترقه برخیزد.

تفنگ مشقی چه ترقشتی کرد بتول نصری چه کار زشتی کرد

ترکشت *terekkes t*، صدای تک‌پا یا هر صدای مانند آن در سکوت و خاموشی.

یه ترکشتی اومه. *ye terekkes ti uma* «صدای پای آمد».

ترکشت پاش اومه. *terekkes t-e paš uma*، «صدای پایش آمد».

جرست *jarrest*، صدایی که از جهردن شاخه‌های درختان از تنه درخت، شکاف برداشتن دیواره‌ها و نظایر آن به گوش رسد.

جرست *jerrest*، صدایی که از شکافتن و جر خوردن پارچه و چوب و ساقه و شاخه درختان پدید می‌آید.

جرنگشت *jerengeš t*، صدایی خفیف که از برخورد چیزهای بلورین برخیزد.

جیریکشت *jirikkes t*، صدای ناله و آن که سخت درد می‌کشد.

جیریکشت *čirikkes t*، صدایی که از سوختن شاخه‌های گیاهی در آتش شعله‌ور برخیزد.

خرشت *xerrešt*، صدایی که از نفس زدن آدمی و نیز جانوران به هنگام راه رفتن و دویدن و خواب از گلو برخیزد.

درست *derrest*، صدایی که از دریده شدن و شکافته شدن پوشاک چون پیراهن و شلوار پدید می‌آید.

درنگشت *derengeš t*، صدای ساز و آواز و رنگ گرفتن.

شرپشت *šerpeš t*، صدای فروریختن ناگهانی آب به مقدار زیاد و گام زدن در آب و نیز فرو افتادن کسی یا چیزی در آب.

شرپشتی افتی تو او. *šerpeš ti ofti tu ov* «شلاپی افتاد در آب».

شرشت *šerreš t*، صدای گام در آب.

شرقشت *šerqqes t*، صدایی که از نواخته شدن سیلی بر صورت کسی و از توگوشی و

پشت‌گردنی زدن و یا از نواختن شلاق و ترکه بر بدن انسان یا حیوان برخیزد.

شَلپِشت šleppes t، معادل شَرپِشت.

غُرْشت qorres t، غرش شیر و جانوران وحشی.

غرومبشت qorombes t، صدای وحشتناک و بلند که از غرش شیر و جانوران وحشی و یا از جریان سیل و فرو ریختن آب باران تند از ناودان و از رعد یا از رودخانه هنگامی که به شیب تند رسد برخیزد.

گرومبشت gorombes t، صدای فرو ریختن و آوار شدن سقف و دیوار و یا فرو ریختن مصالح ساختمانی از بارکش و نیز صدای ناگهانی رعد و برق، هم‌چنین صدای فرو افتادن هر چیز سنگین و بزرگ و افتادن انسان یا حیوان بر زمین.

گرومبشتی اُفتی. gorombes ti ofti «گرمبی افتاد».

ملنگشت melenges t، صدایی خفیف که در سکوت و خاموشی از کسی برخیزد.

ملنگشتم نم دا. melenges tam nam da «هیچ صدایی از او بر نمی‌خاست».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی